

رهبری
نکات کلیدی فصل هفتم



رهبری

(۲۶ درس کلیدی در حل نیازهای رهبر هر سازمان)

نویسنده: جان سی. ماکسول

مترجم: دکتر علی رضا یوسفی مقدم

نکات کلیدی فصل هفتم

نقاط قوت خود را پیدا کنید و آن را ادامه دهید

- نقاط قوت خود را پیدا کنید و آن را ادامه دهید.
- آیا می‌توانید اولین درسی که تاکنون درباره‌ی رهبری یاد گرفتید به خاطر آورید؟ من به یاد دارم. اولین درس را از پدرم یاد گرفتم. او همیشه به من و خواهر و برادرم می‌گفت: ببینید چه کاری را خوب انجام می‌دهید و آن را ادامه دهید. آن فقط یک نصیحت نبود. او و مادرم وظیفه خود می‌دانستند که به ما کمک کنند تا قبل از این که به اندازه‌ی کافی بزرگ شویم و وارد جامعه شویم نقاط قوت خود را بشناسیم و آن را توسعه دهیم.
- پدرم توانایی خارق‌العاده‌ای در تمرکز روی نقاط قوتش داشت. این توانایی به همراه اراده‌اش برای به پایان رساندن آن‌چه شروع کرده بود باعث می‌شد که در شغل خود و اموری فراتر از آن به خوبی انجام وظیفه کند. او به فعالیت در نقاط قوتش ادامه داد و این یکی از دلایلی است که او همیشه بزرگ‌ترین الهام‌بخش زندگی من بوده است.
- چندین سال طول کشید تا نقاط قوت خود را پیدا کنم و افرادی را استخدام کنم و آموزش دهم تا ضعف‌های مرا جبران کنند.
- اگر شما رهبری جوان هستید و هنوز از نقاط قوت خود و توانایی‌های تان مطمئن نیستید، ناامید نشوید، صبور باشید و به کارتان ادامه دهید.
- مهم نیست که تازه شروع به کار کرده اید یا در نقطه‌ی اوج شغل تان هستید، مهم این است که هرچه بیشتر روی نقاط قوت خود کار کنید، موفق‌تر خواهید بود.
- شما نمی‌توانید از همان ابتدا رهبری تأثیرگذار باشید، باید دانسته گام بردارید و در جهت توانایی‌های تان تلاش کنید.
- هروقت به مردم آموزش می‌دهم و به آن‌ها کمک می‌کنم تا هدف‌شان را کشف کنند، همیشه تشویق‌شان می‌کنم که این فرایند را با کشف توانایی‌های خود شروع کنند نه نقاط ضعف‌شان.

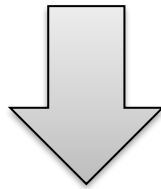
- شما برای انجام کاری که استعداد آن را ندارید، دعوت نشده‌اید. شما باید هدف‌تان را به وسیله‌ی پیدا کردن نقاط قوت‌تان و ادامه‌ی آن پیدا کنید.
- اگر به طور مداوم خارج از نقاط قوت خود کار کنید نمی‌توانید تا حداکثر توانایی‌تان رشد کنید. اگر در این زمینه بسیار تلاش کنید، به سختی پیشرفت خواهید کرد تا به حد یک فرد معمولی برسید و هرگز فراتر از آن نخواهید رفت، هیچ کس یک فرد عادی را تحسین نمی‌کند.
- اگر شما هنوز این تصور را در ذهن خود دارید که مردم چه استعدادهایی دارند و شما هنوز به آن‌ها نرسیده‌اید، پس دوران سختی را برای یافتن توانایی‌های درست خود در پیش خواهید داشت. شما نیاز دارید که پیدا کنید و بدانید که چه کسی هستید.
- پرسید که چه کاری را خوب انجام می‌دهید؟ افرادی که به استعدادها و توانایی‌های‌شان می‌رسند، کمتر سؤال می‌کنند که چه کاری را درست انجام می‌دهم؟ بلکه بیشتر سؤال می‌کنند چه کاری را خوب انجام می‌دهم؟
- خاص باشید. هرچه ویژه‌تر درباره‌ی توانایی‌های‌تان فکر کنید، شانس بهتری در یافتن نقاط مطبوع توانایی‌های‌تان خواهید داشت. چرا وقتی این شانس را دارید که درست در مرکز نقاط قوت خود بایستید، در حاشیه‌ی آن قرار گیرید؟
- گوش کنید که دیگران چه چیزی را تحسین می‌کنند. گوش کنید که دیگران چه می‌گویند. توانایی‌های شما توجه دیگران را به خود جلب می‌کند و آن‌ها را به سوی شما می‌کشد.
- اگر دیگران شما را به طور مداوم در زمینه‌های خاصی تحسین می‌کنند، توسعه دادن و پیشرفت در آن حوزه را شروع کنید.

- وقتی شما در حوزه‌ی ضعف‌های خود کار می‌کنید، افراد کمی به آن علاقه نشان می‌دهند.
- رقیبان را بررسی کنید. شما نمی‌خواهید که تمام وقت خود را به مقایسه‌ی خود با دیگران صرف کنید. این کار درستی نیست، اما درعین حال هم نمی‌خواهید وقت‌تان را با انجام کاری هدر دهید که دیگران خیلی بهتر از شما انجام می‌دهند.
- اگر استعداد انجام کاری را به شکلی بهتر از رقیبان خود ندارید، تمرکز خود را جای دیگری به کار ببرید.
- برای این‌که رهبری موفق باشید، نقاط قوت افرادتان را پیدا کنید و آن را پرورش دهید. هر وقت افرادی را دیدید که در کارشان موفق هستند، مطمئن باشید که در حیطه‌ی نقاط قوت خود کار می‌کنند.
- اما اگر شما می‌خواهید به عنوان یک رهبر، فرد موفقی باشید این کار به تنهایی کافی نیست. رهبران خوب به دیگران هم کمک می‌کنند تا نقاط قوت و توانایی‌های خود را پیدا کنند و به آن‌ها اجازه می‌دهند که در آن محدوده کار کنند.
- بهترین رهبران کسانی هستند که توانایی شناسایی استعدادهای خاص و محدودیت‌های دیگران و نیز قابلیت به کار گرفتن افرادشان را در شغل‌هایی که بتوانند بهترین باشند، دارند.
- طبق یافته‌های سازمان گالوپ فقط ۲۰ درصد از کارمندان احساس می‌کردند که در نقاط قوت خود کار می‌کنند. مقصر، رهبران‌شان هستند. آن‌ها در کمک کردن به افرادشان برای یافتن نقاط قوت خود و قراردادن آن‌ها در بخشی از سازمان که توانایی‌های‌شان بتواند موهبتی برای شرکت باشد، موفق نبوده‌اند.

- اگر آرزو می‌کنید که رهبری تأثیر گذار باشید باید این توانایی را در خود ایجاد کنید تا بتوانید افراد را در نقاط قوت‌شان پرورش دهید.
- افراد تیم‌تان را بررسی کنید و بشناسید. نقاط قوت و ضعف افراد تیم شما چیست؟ آن‌ها با چه کسانی در تیم در ارتباط هستند؟ آیا آن‌ها در حال پیشرفت و دارای توانایی‌های رو به رشد در محدوده‌ای هستند که کار می‌کنند؟ آیا نوع نگرش آن‌ها موهبت است یا تعهد و الزام؟ آیا کاری که انجام می‌دهند دوست دارند و آن را خوب انجام می‌دهند؟
- با تک تک اعضای تیم صحبت کنید و ببینید چطور با تیم هماهنگ شدند. چه توانایی‌هایی در اختیار تیم گذاشتند؟ آیا زمان‌هایی وجود دارد که همکاری آن‌ها ارزشمند باشد؟ چطور مکمل دیگر اعضای تیم هستند؟ چه چیزهای دیگری از سوی دیگر اعضای تیم لازم است تا مکمل ضعف‌هایشان باشد؟ هرچه افراد بیشتر بدانند که چطور با تیم هماهنگ شده‌اند بیشتر تمایل خواهند داشت که هماهنگی‌شان را بیشتر کند و همکاری‌شان را به حداکثر برسانند.
- با همه‌ی اعضای تیم گفتگو کنید که چطور هر بازیکن، خود را با تیم هماهنگ کرده است.
- اگر شما با همه‌ی بازیکنان و اعضای تیم صحبت کنید که چطور همه‌ی اعضای گروه با هم هماهنگ شدند و از چه توانایی‌هایی برای ایفای نقش خود در تیم استفاده کرده‌اند، در این صورت اعضای گروه برای هم ارزش قائل خواهند شد و به هم احترام خواهند گذاشت.
- تاکید کنید که کامل بودن یکدیگر مهم‌تر از رقابت کردن با یکدیگر است. رقابت سالم بین اعضای یک تیم خوب است. این امر باعث می‌شود که افراد تیم مجبور شوند هرکاری که از دست‌شان بر می‌آید برای تیم انجام دهند، اما در انتها، اعضای تیم لازم است به خاطر تیم با هم کار کنند نه این‌که فقط برای خود کار کنند.

- کار روی ضعف‌هایی که در نقاط قوت شما وجود دارد همیشه نتیجه بخش‌تر است از کار کردن روی توانایی‌هایی که در نقاط ضعف‌تان دارید.
- یادتان باشد تمرین به تنهایی باعث نمی‌شود تا در کاری عالی باشید، تمرین باید دائمی باشد!

"انتخاب نکات کلیدی فصل هفتم"



دکتر علی اصغر صفری فرد (Ph.D)

نویسنده، مشاور و مدرس توسعه مهارت‌های مدیریتی

۰۹۱۲۲۱۳۷۱۴۴